

سوالات آزمون گروه زبان دکتری ۹۷

استعداد تحصیلی

بخش اول: درک مطلب

■ **راهنمایی:** در این بخش، دو متن به طور مجزا آمده است. هریک از متن‌ها را به دقت بخوانید و پاسخ سؤال‌هایی را که در زیر آن آمده است، با توجه به آنچه می‌توان از متن استنتاج یا استنباط کرد، پیدا کنید و در پاسخنامه علامت بزنید.

متن (۱)

فرضیه پیکربندی واژگانی، یکی از دیدگاه‌های تأثیرگذار در حوزه پردازش اصطلاحات است که در سال ۱۹۸۸ میلادی ارائه شد و در اصل در نقطه مقابل دیدگاه سنتی بازنمود واژگانی مطرح شده است. در این دیدگاه، نقش عنصر قابلیت پیش‌بینی معنای مجازی در درک اصطلاح پررنگ می‌باشد و فرایند درک اصطلاح با معنای گزاره‌ای یا معنای واژگانی متفاوت است. در واقع، واژه، محرک و تداعی‌گر معنای اصطلاحی نیست، بلکه پیکربندی و چینش خاص واژگانی، محرکی برای بازیابی معنای اصطلاحی است. پس، برخلاف فرضیه بازنمود واژگانی، در دیدگاه ذکرشده، فعال‌سازی و موجودیت معنای اصطلاحی، پیش از آنکه چینش واژگانی، شرایط لازم برای بازیابی معنای اصطلاحی را مهیا کند، انجام نمی‌گیرد.

در این مدل، در خلال پردازش برخط، یک‌سری از اصطلاحات گروه واژگانی، در وهله نخست پردازش می‌شود تا آنکه فرد بتواند نقطه تشخیص یا اصطلاحاً واژه کلیدی را شناسایی کند. درست در این نقطه است که تفسیر تحت‌اللفظی و یا پیکربندی خاص واژگانی آشکار می‌شود. اما اینکه در چه نقطه‌ای و به چه شیوه‌ای این «کلید پیکربندی واژگانی» برانگیخته می‌شود، بستگی به این مسئله دارد که معنای آن اصطلاح، تا چه میزان قابل پیش‌بینی است. بنابراین، در این مدل، ابتدا معنای بالقوه تحت‌اللفظی پردازش می‌شود تا زمانی که واژه کلیدی، معنای تمثیلی اصطلاح را آشکار کرده و آن را رمزگشایی کند. به عبارتی دیگر، معنای اصطلاحی در درون پیکربندی واژه خاص رمزگشایی می‌شود. این واژه خاص یا واژه هدف، با پیوندی که میان گروه‌های واژگانی برقرار می‌کند، باعث شناسایی معنای تمثیلی آن می‌شود. مطابق با چارچوب نظری این مدل، اصطلاحات از قابلیت پیش‌بینی کم یا زیاد برخوردارند که این بستگی به این موضوع دارد که واژه هدف، در چه جایگاهی از اصطلاح ظاهر گردد.

در دهه ۱۹۸۰، نگرشی که اصطلاح را به مثابه واحد واژگانی می‌انگاشت، به چالش کشیده می‌شود و امکان در نظر گرفتن مدخل واژگانی مجزا برای اصطلاحات نیز مورد تردید واقع می‌شود. یکی از این پیش‌فرض‌ها این بود که اصطلاحات، از سازه‌ها یا واحدهای زبان‌شناختی تشکیل یافته‌اند. در مدل دسترسی مستقیم، از همین رویکرد پیروی شد. در این مدل که از سوی گیبز ارائه شد، سازوکارهای پردازش تمثیلی و گزاره‌ای مانند هم هستند. پس، دسترسی فرد به معنای اصطلاح، به شکل مستقیم صورت می‌پذیرد. در این نگرش، اعتقاد بر این است که درک معنای گزاره‌ای و تمثیلی جملات، به طرز گسترده‌ای، وابسته به دانش کاربردشناختی و طرح‌واره‌های ذهنی مرتبط با زبان تمثیلی است.

🔗 ۱- منظور اصلی نویسنده از ارائه اطلاعات مختصری درباره دیدگاه سنتی بازنمود واژگانی، کدام است؟

- ۱) نواقص آن را به طور غیرمستقیم برشمرد.
- ۲) کاربرد آن را در فرایند درک اصطلاح، کم‌رنگ‌تر از واقع جلوه دهد.
- ۳) زمینه طرح، توضیح و درک فرضیه جدیدتری را در مقایسه با آن فراهم آورد.
- ۴) خواننده را در جریان تاریخچه تحولات در حوزه درک اصطلاح قرار دهد.

🔗 ۲- براساس متن، قابلیت پیش‌بینی معنای مجازی اصطلاحات، بیش از هر چیز، تحت تأثیر کدام مورد است؟

- ۱) نوع چینش کلیدواژه‌ها و نحوه پردازش پیوند میان آن‌ها
- ۲) شناسایی واژه هدف و پردازش چینش واژگانی
- ۳) شباهت میان معنای تحت‌اللفظی و معنای اصطلاحی
- ۴) فعال‌سازی معنای اصطلاحی با بهره‌گیری از واژه نخست هر اصطلاح



۳- براساس متن، کدام مورد در خصوص مدل دسترسی مستقیم گیبز، صحیح است؟

- (I) نقش عوامل فراواژگانی را در بازیابی معنا پررنگ می‌شمرد.
 (II) به نوعی از تغییر رویکرد در حوزه مطالعاتی درک اصطلاح در دهه ۱۹۸۰ تأثیر پذیرفته است.
 (III) پردازش تمثیلی، از نظر سازوکارهای مربوط، بی‌شابهت به پردازش گزاره‌ای نیست.

(۴) I، II و III

(۳) II و III

(۲) فقط III

(۱) فقط I

۴- در متن، اطلاعات کافی برای پاسخ دادن به کدام یک از پرسش‌های زیر، وجود ندارد؟

- (۱) واژه کلیدی در یک اصطلاح، چگونه شناسایی می‌شود؟
 (۲) عوامل تعیین‌کننده دشواری یا آسانی فرایند بازیابی معنای اصطلاحی کدام‌اند؟
 (۳) شرط لازم برای فعال‌سازی معنای اصطلاحی در فرضیه پیکربندی واژگانی چیست؟
 (۴) یکی از پیش‌فرض‌های مدل گیبز کدام است؟

متن (۲)

مطالعات مربوط به زبان‌شناسی شناختی از دهه ۱۹۷۰ میلادی شروع شد و از دهه ۱۹۸۰ به بعد، روزبه‌روز مطرح‌تر شد و اکنون به یکی از مهم‌ترین و پرطرفدارترین مکاتب زبان‌شناسی در غرب، به‌ویژه در اروپا بدل شده است. با این حال، سازمان‌دهی این چارچوب علمی تا ۱۹۹۰ میلادی به تأخیر افتاد. در این سال، انجمن بین‌المللی زبان‌شناسی شناختی تأسیس شد. زبان‌شناسی شناختی حاصل تلاقی علوم شناختی مختلف است و هدفش درک طبیعت فعالیت‌های مختلف ذهنی درباره استدلال، حافظه، سازماندهی اطلاعات و پردازش و تولید زبانی است. در راستای این تحقیقات، زبان‌شناسی شناختی، به‌طور ویژه، به بررسی مشکلات مقوله‌بندی مفهومی، روش‌های سازماندهی و ذخیره‌سازی اطلاعات در قالب یک مفهوم‌سازی و دایره‌المعارفی از معنی‌شناسی پرداخته است. همچنین ارتباط میان مفهوم‌سازی، استدلال و مقوله‌های مفهومی منتج از تجارب حسی - حرکتی حاصل از محیط پیرامون، از دیگر پژوهش‌های انجام شده در این زمینه است. رشد در دهه ۱۹۷۰ میلادی با آزمایش‌هایی نشان داد که ما از مقولات و نحوه قرار دادن عناصر درون هر مقوله، درکی ساختارمند داریم و مفهوم سرنمون، در این مقوله‌بندی، نقش مهمی بازی می‌کند.

لیکاف و جانسون بیان می‌کنند که مفهوم‌سازی اساساً روندی است که از طریق اصول ادراکی شکل می‌گیرد. آنها نشان دادند که کاربرد استعاره محدود به زبان ادبی نیست، بلکه سخنگویان زبان در اشاره به رویدادهای روزمره زندگی نیز از استعاره استفاده می‌کنند. در مجموع می‌توان گفت که لیکاف و جانسون به این نتیجه رسیدند که زبان به ما نشان می‌دهد که در ذهن خویش، مفاهیم انتزاعی را براساس مفاهیم عینی بیان یا درک کنیم.

لیکاف در فصل هفتم کتاب «زنان، آتش و چیزهای خطرناک» به معرفی چند طرح‌واره می‌پردازد. وی معتقد است که احتمالاً قوی‌ترین شاهد علیه رویکردهای سنتی به مقوله‌بندی و به نفع رویکرد سرنمون، از مطالعه اجزای فعلی و حروف اضافه نشئت می‌گیرد. تالمی، جدولی از مشخصات شکل و زمینه ارائه می‌دهد و آنها را به دو گروه ویژگی‌های تعریفی و ویژگی‌های متداعی تقسیم می‌کند؛ برای مثال، در این جدول بیان می‌کند که زمینه، دارای ویژگی‌های مرجعی است که براساس آنها می‌توان ویژگی‌های ناشناخته شکل را تعیین کرد. از ویژگی‌های دیگر شکل می‌توان به قابلیت حرکت بیشتر، کوچک‌تر بودن و وابستگی بیشتر اشاره کرد، در حالی که برخی از ویژگی‌های زمینه عبارت‌اند از: میل کمتر به حرکت، بزرگ‌تر بودن، استقلال بیشتر و پیچیدگی هندسی بیشتر. این مشخصات در بسیاری از موارد، راه‌گشای تعیین اجزای سازنده طرح‌واره تصویری است.

۵- کدام مورد در خصوص زبان‌شناسی شناختی، در متن بحث نشده است؟

(۴) تاریخچه

(۳) آثار مرتبط

(۲) حوزه‌های تحقیق

(۱) مزایای برجسته

۶- کدام مورد، نقش جمله‌ای را که زیر آن در متن خط کشیده شده، به خوبی توصیف می‌کند؟

- (۱) ادعای جمله ماقبل خود را با ارائه مثالی، تا اندازه‌ای تعدیل می‌کند.
 (۲) با ذکر یک مثال، ایده اصلی متن را بیان می‌کند و از آن نتیجه‌گیری می‌کند.
 (۳) از آنچه که در جمله ماقبل آن به‌طور کلی عنوان شده، نمونه‌ای معرفی می‌کند.
 (۴) با ذکر نمونه‌ای خاص، دلیل دیگری از ناکارآمدی رویکرد سنتی در تعریف مفهوم‌سازی را بیان می‌کند.



کله ۷- براساس متن، کدام مورد در خصوص مفهوم‌سازی از نظر لیکاف و جانسون، صحیح است؟

- ۱) مفاهیم انتزاعی در ذهن انسان با بهره‌گیری از مفاهیم عینی سازمان‌بندی می‌شوند.
- ۲) زبان نقش مهمی در تعیین الگوهای اندیشه و ویژگی‌های ذهن انسان دارد.
- ۳) مفهوم‌سازی ادبی، فرایندی ثابت و از پیش تعیین شده است.
- ۴) با استفاده از استعاره، می‌توان مفاهیم و افکار پیچیده و ظریف را رمزگذاری کرد.

کله ۸- می‌توان نتیجه گرفت که از نظر نویسنده متن، جدول مشخصات شکل و زمینه تالمی،

- ۱) ماهیت طرح‌واره‌های تصویری را دگرگون ساخته است
- ۲) مناسب‌ترین ابزار برای مطالعه طرح‌واره‌های تصویری است
- ۳) با رویکردی سنتی، به دسته‌بندی ویژگی‌های شکل و زمینه می‌پردازد
- ۴) ویژگی‌های شکل و زمینه را براساس یک دسته‌بندی خاص تبیین می‌کند

بخش دوم: استدلال منطقی

■ **راهنمایی:** برای پاسخگویی به سؤال‌های این بخش، لازم است موقعیتی را که در هر سؤال مطرح شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید و سپس گزینه‌های را که فکر می‌کنید پاسخ مناسب‌تری برای آن سؤال است، انتخاب کنید. هر سؤال را با دقت بخوانید و با توجه به واقعیت‌های مطرح شده در هر سؤال و نتایج که بیان شده و بیان نشده ولی قابل استنتاج است، پاسخی را که صحیح‌تر به نظر می‌رسد، انتخاب و در پاسخنامه علامت بزنید.

کله ۹- برای اینکه جهان را بشناسیم، باید خودمان را بشناسیم؛ اما درحال حاضر چه تعداد از دانشجویان زبان و ادبیات فارسی، نویسندگان معاصرى همچون چوبک، جمالزاده، ساعدی و ... را می‌شناسند و آثارشان را خوانده‌اند؟ در کشورهای دیگر، برای ادبیات سرمایه‌گذاری می‌کنند و چهره‌های ادبی‌شان را معرفی می‌کنند، اما در کشور ما، برای جهانی کردن یک نویسنده، اقدامی صورت نمی‌گیرد. فرض مستتر در استدلال فوق، کدام است؟

- ۱) هیچ‌یک از نویسندگان معاصر ما، جهانی نیستند.
- ۲) آشنایی با ادبیات بومی، راهی برای شناخت خودمان است.
- ۳) راه ایجاد انگیزه برای توجه به هویت ملی، تأکید بر ادبیات معاصر است.
- ۴) اگر دانشجویان از ارزش‌های ادبی موجود در کتاب‌های نویسندگان معاصر مثل چوبک، جمالزاده، ساعدی و ... آگاه بودند، به‌طور قطع، آثار این نویسندگان را می‌خواندند.

کله ۱۰- در زبان انگلیسی، وقتی می‌خواهید کسی را سرکار بگذارید یا کاری کنید که از دید وی مخفی باشد، از این عبارت انگلیسی، یعنی «جو جو رو نگاه کن»، استفاده می‌کنید. «استور توان»، رفتارشناس و روان‌شناس معروف، معتقد است که گسترش و پیچیده شدن زبان انسان‌ها، ناشی از تمایل به فریب دادن دیگران و استفاده از زبان، به‌عنوان ابزاری قوی برای دروغ گفتن بوده است. پذیرش نظریه فوق، با قبول کدام مورد زیر هماهنگ‌تر است؟

- ۱) گفته می‌شود که فرایندهای پیچیده ذهنی به‌هنگام راستگویی، به همان اندازه که به هنگام دروغگویی و فریب مورد استفاده قرار می‌گیرند، کارکرد دارند.
- ۲) نیاز به دروغگویی در انسان، نیازی مهم است و مانعی گریزناپذیر در راه بقای انسان ایجاد نمی‌کند.
- ۳) دروغ در همه جوامع، به یک میزان رایج نیست، ولی در جوامعی که هنوز در مراحل پایین پیشرفت فرهنگی هستند، از مقبولیت کمتری برخوردار است.
- ۴) بسیاری از مردم، به هنگام دروغ گفتن، برای ایجاد باورپذیری، به طرف مقابل نگاه هم می‌کنند.

کله ۱۱- معلم: شما که زبان آلمانی را که بسیار دشوار است، در ظرف یک‌سال فراگرفتید، حالا مطمئن هستم که زبان ایتالیایی را حتی راحت‌تر و سریع‌تر یاد خواهید گرفت، چون زبان ایتالیایی آهنگین‌تر از زبان آلمانی است و ضمناً ۲۰۰۰ کلمه در این زبان، با زبان مادری شما، مشترک است. کدام مورد، در صورتی که صحیح فرض شود، ادعای معلم درباره یادگیری زبان ایتالیایی را به بهترین وجه، زیر سؤال می‌برد؟

- ۱) انگیزه‌های که زبان‌آموزان برای یادگیری زبان آلمانی داشتند، از انگیزه آنها برای یادگیری زبان ایتالیایی، بیشتر است.
- ۲) تفاوت‌های ساختاری میان زبان مادری زبان‌آموزان و زبان دومی که می‌خواهند یاد بگیرند، باعث ایجاد دشواری در یادگیری می‌شود.
- ۳) باور برخی زبان‌شناسان بر این است که تمامی زبان‌های بشری، به لحاظ تاریخی، ریشه مشترکی دارند.
- ۴) برخی مردم بر این باورند که زبان آلمانی، از هر زبان اروپایی دیگر، آهنگین‌تر است.

کله ۱۲- برگردان فارسی آثار نویسندگان اسپانیایی‌زبان که از نسخه‌های انگلیسی آنها استخراج شده، نمونه‌هایی هستند که فقر آشنایی با عنصر مهم «فرهنگ» اسپانیایی‌زبانان - چه بسا به سبک آمریکای لاتین - را نشان می‌دهند. آیا بهتر نیست رمان‌های نویسندگان اسپانیایی‌زبان، توسط مترجمانی که به زبان اسپانیایی تسلط دارند، ترجمه شود؟ آیا آنها به فرهنگ و سنت اسپانیایی‌زبان‌ها اشراف بیشتری ندارند؟ شکی نیست که یک ترجمه مستقیم، به مراتب دقیق‌تر و قابل اطمینان‌تر از ترجمه‌ای است که برگرفته از متن ترجمه‌شده می‌باشد. کدام مورد را می‌توان به درستی، از متن فوق استنباط کرد؟

۱) اینکه مترجمان فارسی‌زبان، مستقیماً کتاب‌هایی از زبان اسپانیایی را ترجمه کنند، باعث می‌شود که آنها بیشتر مجبور به رعایت اصل انتقال فرهنگ از طریق ترجمه شوند.

۲) یادگیری زبان اسپانیایی و ایجاد ارتباط عمیق با اسپانیایی‌زبان‌ها، بدون آشنایی با فرهنگ آنها، اگر نگوییم محال، باید اذعان کنیم که بسیار دشوار است.

۳) متن‌های ترجمه‌شده از زبان اسپانیایی به زبان انگلیسی، توسط مترجمانی صورت گرفته است که با عنصر مهم «فرهنگ» اسپانیایی‌زبانان، آشنایی لازم را نداشته‌اند.

۴) ترجمه فارسی متن‌های انگلیسی که خود ترجمه متون اسپانیایی هستند، حتی در صورتی که مترجم با فرهنگ اسپانیایی نیز آشنا باشد، ممکن است باز هم آنچنان که باید، قابل اطمینان نباشد.

کله ۱۳- ادبیات نیز همچون همیشه، برآیندی از جنبش‌های فکری و فرهنگی موجود و بخشی از فرایند پست‌مدرنیسم است. اما این جریان همواره مورد نقد توطئه‌آمیز منتقدان حوزه شعر بوده است و اغلب بر آن بوده‌اند که این ژانر نوپدید، نه محصول موقعیت گفتمانی، بلکه برآیند ترجمه و تقلید است. از آنجا که تغییرات بنیادین در اشکال و روش‌های ادبی و هنری، در نتیجه دگرگونی‌های بنیادین اجتماعی و فرهنگی است، این جستار نیز درصدد است تا نشان دهد تمام گفتمان‌های فکری، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی حاکم در ایران، در این چندین دهه، در پیدایش جریان شعر پست‌مدرن ایران تأثیر داشته و موضوعی به این اهمیت را نمی‌توان از طریق تزریق ترجمه یا تقلید به‌طور مکانیکی و تصنعی به‌وجود آورد.

کدام مورد، به منطقی‌ترین وجه، رابطه دو بخشی که زیر آنها خط کشیده شده است را نشان می‌دهد؟

- ۱) اولی، نظری مخالف با نظر نویسنده است و دومی، شکل تعدیل‌یافته‌ای از همان نظر مخالف است که نویسنده با آن موافق‌تر است.
- ۲) اولی، ادله‌ای است که براساس آن ادعایی مخالف با نتیجه‌گیری متن ارائه شده است و دومی، نتیجه‌گیری متن است.
- ۳) اولی، ادعایی است که خلاف نتیجه‌گیری متن است و دومی، خود آن نتیجه‌گیری است.
- ۴) اولی، بیان یک انتقاد است و دومی، دلیل وجود چنین انتقادی را بیان می‌دارد.

کله ۱۴- ریچارد پیترسون بر آن است که در اوضاع فعلی جهان، الگوی قرارگرفتن ذائقه‌های فرهنگی، هرمی معکوس است. در بالای هرم، نخبگان قرار دارند که حجم اجتماعی اندکی دارند، ولی تعداد و نوع ژانرهای هنری و فرهنگی‌ای که مصرف می‌کنند، بسیار است. در پایین هرم نیز طبقات پایین با تنوع محدود ژانرهای مصرفی قرار گرفته‌اند. به عبارتی، نوع ژانرها و تمایز دقیق میان محتوای ژانرها نیست که ذائقه طبقات بالا و پایین را از هم جدا می‌کند، بلکه

کدام مورد، به منطقی‌ترین وجه، جای خالی در متن فوق را کامل می‌کند؟

- ۱) تنوع و تعداد ژانرهاست که چنین می‌کند
- ۲) ذائقه فرهنگی، عامل این اختلاف است
- ۳) کثرت افراد در هر طبقه، عامل تعیین‌کننده است
- ۴) گاه اوضاع جهانی و اجتماعی، معیارهای ما را به هم می‌ریزد

کله ۱۵- براساس نظریه اسکوپوس، ترجمه موفق ترجمه‌ای است که کاملاً متناسب با هدف و کارکرد (اسکوپوس) در نظر گرفته شده، تهیه شده باشد و همچنین، متناسب با مخاطب جامعه مقصد باشد. این موضوع، به ویژه هنگام ترجمه متون تبلیغاتی تجاری، اهمیت پیدا می‌کند. هدف از ترجمه این نوع متن‌ها، چیزی نیست جز تأثیر گذاشتن بر مخاطب و تشویق او به خرید کالایی خاص. در نتیجه، ترجمه باید کاملاً متناسب با این کارکرد و هدف تهیه شده باشد و بتواند بر مخاطب جامعه مقصد تأثیر بگذارد.

کدام مورد، با ترجمه مطابق با نظریه اسکوپوس، بیشترین مطابقت را دارد؟

- ۱) ترجمه‌ای که مترجم، وفاداری به متن مبدأ را در درجه اول اولویت قرار نداده است، بلکه در پی آن بوده است که طوری حال و هوای جامعه بومی خود را در آن وارد سازد تا مخاطب، متوجه ترجمه بودن اثر نشود.
- ۲) ارائه متنی تبلیغاتی که عیناً ترجمه متن مبدأ باشد، اگرچه کارکرد لازم در تأثیر بر مشتریان بالقوه را نداشته باشد.
- ۳) ترجمه متنی تبلیغاتی که در آن، مترجم به خود اجازه داده است به جای توجه صرف به ترجمه عبارات و اصطلاحات متن، به میزان تأثیرگذاری متن بر مخاطب جامعه مقصد توجه کند و قسمت‌هایی از متن را که بر مخاطب جامعه مقصد تأثیر لازم را ندارد، تغییر دهد.
- ۴) ترجمه یک متن ادبی که بسیار مورد توجه ادیبان قرار بگیرد، ولی آن اثری را که متن اصلی در مخاطبین خود به‌وجود می‌آورد، ایجاد نکند.

بخش سوم: سؤالات تحلیلی

■ راهنمایی: در این بخش، توانایی تحلیلی شما مورد سنجش قرار می‌گیرد. سؤال‌ها را به دقت بخوانید و پاسخ صحیح را در پاسخنامه علامت بزنید.
راهنمایی: با توجه به اطلاعات زیر، به سؤال‌های ۱۶ تا ۱۹ پاسخ دهید.

یک معلم تاریخ، روزی ۱۲ دانش‌آموز کلاس خود را به یک موزه که دارای ۴ بخش «مردم‌شناسی»، «سکه‌های باستانی»، «مجسمه‌های تاریخی» و «ادوات جنگی» بوده است، برد. او دانش‌آموزان را به ۴ گروه، ولی نه لزوماً به تعداد برابر، تقسیم کرد. وی هر گروه را برای بازدید، فقط به یکی از چهار بخش موزه فرستاد. اطلاعات و محدودیت‌های زیر، در خصوص تعداد دانش‌آموزان گروه‌ها، در دست است:

- در هر گروه، حداقل دو دانش‌آموز حضور داشت.
- دو گروهی که به بخش‌های مردم‌شناسی و ادوات جنگی رفته‌اند، دارای تعداد دانش‌آموزان برابر نبوده‌اند.
- بیشتر از نیمی از دانش‌آموزان، از بخش‌های مردم‌شناسی یا مجسمه‌های تاریخی دیدن کرده‌اند.
- دقیقاً نصف دانش‌آموزانی که به بخش مجسمه‌های تاریخی رفته‌اند، بعد از بازدید، از انتخاب خود راضی بوده‌اند.

کله ۱۶- اگر گروه دانش‌آموزی که به بخش مردم‌شناسی موزه رفته است، یک گروه سه نفری باشد، گروهی که به بخش سکه‌های باستانی رفته، چند نفری بوده است؟
(۱) ۲ (۲) ۳ (۳) ۴ (۴) ۵

کله ۱۷- اگر تعداد دانش‌آموزان بازدیدکننده از بخش ادوات جنگی نسبت به بخش سکه‌های باستانی، یک نفر بیشتر باشد، بیشترین تعداد بازدید، از کدام بخش موزه صورت گرفته است؟

- (۱) مجسمه‌های تاریخی (۲) سکه‌های باستانی (۳) ادوات جنگی (۴) مردم‌شناسی

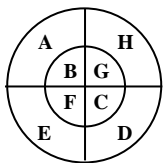
کله ۱۸- اگر تعداد دانش‌آموزان گروهی که به بخش مردم‌شناسی رفته، نسبت به گروهی که به بخش ادوات جنگی رفته، دو نفر بیشتر باشد، تعداد دانش‌آموزان بازدیدکننده از کدام بخش موزه، به طور قطع مشخص است؟

- (I) سکه‌های باستانی
(II) ادوات جنگی
(III) مجسمه‌های تاریخی
(۱) I (۲) III (۳) I و II (۴) II و III

کله ۱۹- اگر از چهار گروه دانش‌آموزی، فقط یک گروه، ۴ نفری بوده باشد، چند دانش‌آموز از بخش مردم‌شناسی بازدید کرده‌اند؟
(۱) ۵ (۲) ۴ (۳) ۳ (۴) ۲

■ راهنمایی: با توجه به اطلاعات زیر، به سؤال‌های ۲۰ تا ۲۳ پاسخ دهید.

یک تخته دارت، مطابق شکل زیر، به ۸ ناحیه A, B, C, D, E, F, G, H تقسیم شده است. پنج دارت به رنگ‌های سبز، سفید، قرمز، آبی و زرد به سمت این تخته پرتاب شده و به آن اصابت کرده‌اند. هیچ دو دارتی، درون یک ناحیه اصابت نکرده است. اطلاعات زیر، در خصوص محل اصابت دارت‌ها در دست است:



- هر دایره‌ای که دارت زرد را در خود جای داده است، دارت قرمز را هم در خود جای داده است.
- نام نواحی که دارت‌های آبی و زرد به آنها اصابت کرده است، دو حرف انگلیسی متوالی است.
- کوچک‌ترین دایره که دارت سفید را در خود جای داده است، دارت‌های سبز و آبی را در خود جای نداده است.
- یکی از چهار ربع دایره بزرگ، دارت‌های قرمز و سفید را در خود جای داده است.

کله ۲۰- اگر به نواحی H و D، به ترتیب، دارت‌های سبز و آبی اصابت کرده باشد، به ناحیه C کدام دارت اصابت کرده است؟

- (۱) سفید (۲) زرد (۳) قرمز (۴) هیچ دارتی

کله ۲۱- اگر دارت سبز به ناحیه A اصابت کرده باشد، نام ناحیه اصابت چند دارت از چهار دارت دیگر، به طور قطع مشخص می‌شود؟

- (۱) ۱ (۲) ۲ (۳) ۳ (۴) هر ۴ دارت

کله ۲۲- اگر به ناحیه D، دارتی غیر از دارت آبی‌رنگ اصابت کرده باشد، به کدام یک از نواحی زیر، به طور قطع، دارتی اصابت نکرده است؟

- (۱) F و C, B (۲) G و C, B (۳) F و B (۴) F و C

کله ۲۳- اگر به نواحی A, B, C و D، فقط دو دارت اصابت کرده باشد، به طور قطع، آن دو دارت کدام‌اند؟

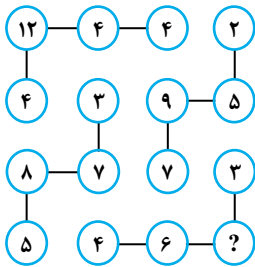
- (۱) نمی‌توان تعیین کرد. (۲) سبز و زرد (۳) سبز و آبی (۴) آبی و زرد

بخش چهارم: حل مسئله

■ **راهنمایی:** این بخش از آزمون استعداد، از انواع مختلف سؤال‌های کمی، شامل مقایسه‌های کمی، استعداد عددی و ریاضیاتی، حل مسئله و... تشکیل شده است. توجه داشته باشید به خاطر متفاوت بودن نوع سؤال‌های این بخش از آزمون، هر سؤال را براساس دستورالعمل ویژه‌ای که در ابتدای هر دسته سؤال آمده است، پاسخ دهید.

■ **راهنمایی:** هر کدام از سؤال‌های ۲۴ تا ۲۷ را به دقت بخوانید و جواب هر سؤال را در پاسخنامه علامت بزنید.

۲۴- در شکل زیر، بین اعداد ارتباط خاصی است. به جای علامت سؤال، کدام عدد باید قرار بگیرد؟



(۱) ۲

(۲) ۴

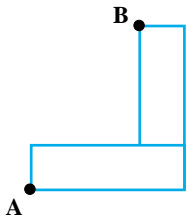
(۳) ۶

(۴) ۸

۲۵- در شکل زیر، دو مستطیل کاملاً مشابه هستند. فاصله دو نقطه A و B از یکدیگر، چند برابر قطر مستطیل است؟

(۱) $1/5$ (۲) $\sqrt{2}$ (۳) $\sqrt{3}$

(۴) به نسبت طول به عرض مستطیل بستگی دارد.



۲۶- پس از بازی در یک لیگ فوتبال که تیم‌ها برای هر برد ۳ امتیاز، هر تساوی ۱ امتیاز و هر باخت صفر امتیاز می‌گیرند، تیمی ۵۸ امتیاز کسب کرده است. تعداد تساوی‌های این تیم، کدام مورد زیر نمی‌تواند باشد؟

(۴) ۴

(۳) ۱۰

(۲) ۱۲

(۱) ۱۶

۲۷- چهار وزنه A، B، C و D در اختیار داریم. اگر C به همان اندازه که از D سبک‌تر است، از B سنگین‌تر باشد و B و D روی هم $2/2$ برابر A وزن داشته باشند، کدام مورد زیر، لزوماً صحیح است؟

(۱) A از C سبک‌تر است. (۲) C از A سبک‌تر است. (۳) B از A سنگین‌تر است. (۴) B از A سنگین‌تر است.

■ **راهنمایی:** سؤال ۲۸، شامل دو مقدار یا کمیت است، یکی در ستون «الف» و دیگری در ستون «ب». مقادیر دو ستون را با یکدیگر مقایسه کنید و با توجه به دستورالعمل، پاسخ صحیح را به شرح زیر تعیین کنید:

- اگر مقدار ستون «الف» بزرگ‌تر است، در پاسخنامه گزینه ۱ را علامت بزنید.
- اگر مقدار ستون «ب» بزرگ‌تر است، در پاسخنامه گزینه ۲ را علامت بزنید.
- اگر مقادیر دو ستون «الف» و «ب» با هم برابر هستند، در پاسخنامه گزینه ۳ را علامت بزنید.
- اگر براساس اطلاعات داده شده در سؤال، نتوان رابطه‌ای را بین مقادیر دو ستون «الف» و «ب» تعیین نمود، در پاسخنامه گزینه ۴ را علامت بزنید.

۲۸- نخ‌های با طول نامعلوم در اختیار داریم که دو نقطه روی آن، مشخص شده است. اگر از نقطه اولی نخ را برش دهیم، نخ به نسبت ۳ به ۴ و اگر از نقطه دومی برش دهیم، نخ به نسبت ۳ به ۱۱ تقسیم می‌شود و اگر از هر دو نقطه برش دهیم، نخ به سه تکه با طول‌های مختلف تقسیم می‌شود.

ب	الف
اندازه کوچک‌ترین تکه نخ، پس از برش از هر دو نقطه	نصف اندازه بزرگ‌ترین تکه نخ، پس از برش از هر دو نقطه

راهنمایی: با توجه به اطلاعات، نمودار و جدول زیر، به سؤال‌های ۲۹ و ۳۰ پاسخ دهید.

سه دارالترجمه «الف»، «ب» و «ج»، هر کدام دارای تعدادی مترجم زن و مرد است که به سه گروه مختلف «مترجم دوزبانه»، «مترجم سه‌زبانه» و «مترجم چهارزبانه» دسته‌بندی می‌شوند. تعداد مترجمان زن در هر دارالترجمه، به ترتیب ۶۰، ۲۰ و ۲۰ درصد از کل مترجمان همان دارالترجمه است. در نمودار سمت راست، درصد مترجمان هر دارالترجمه برحسب تعداد زبان‌هایی که به آنها مسلط هستند، به تفکیک نشان داده شده است. همچنین جدول سمت چپ، درصد مترجمان مرد سه‌زبانه یا چهارزبانه را از کل مترجمان مرد همان دارالترجمه نشان می‌دهد.

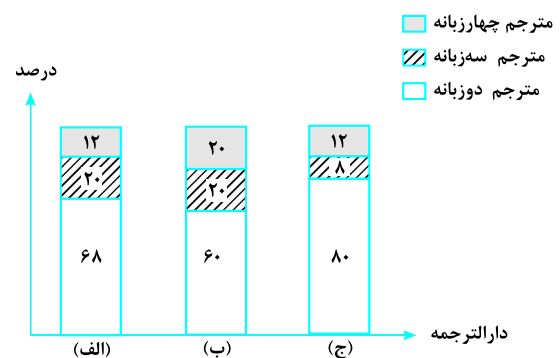
نمودار درصد مترجمان هر دارالترجمه برحسب

تعداد زبان‌هایی که به آنها مسلط هستند

جدول درصد مترجمان مرد سه‌زبانه یا چهارزبانه

هر دارالترجمه از کل مترجمان مرد همان دارالترجمه

نام دارالترجمه	مترجم سه‌زبانه	مترجم چهارزبانه
«الف»	۳۰	۱۰
«ب»	۲۰	۱۵
«ج»	۷/۵	۷/۵



۲۹- چند درصد از مترجمان شاغل در دارالترجمه «الف»، مترجمان زنی هستند که به چهار زبان تسلط دارند؟

۸ (۴)

۶ (۳)

۴ (۲)

۳ (۱)

۳۰- اگر ۴ مترجم مرد سه‌زبانه در دارالترجمه «ب» شاغل باشند، در مجموع، چند مترجم زن سه‌زبانه و چهارزبانه، در این دارالترجمه عضویت دارند؟

۱۰ (۴)

۵ (۳)

۴ (۲)

۳ (۱)

پاسخنامه آزمون گروه زبان دکتری ۹۷

استعداد تحصیلی

بخش اول: درک مطلب

پاسخ سؤالات متن (۱)

۱- گزینه «۳» با توجه به پاراگراف اول، نویسنده تلاش می‌کند تا مفهوم فرضیه پیکربندی واژگانی را با استفاده از نقطه مقابل آن یعنی دیدگاه سنتی بازنمود واژگانی، بهتر توضیح دهد. در ادامه متن نیز، همان‌طور که مشاهده می‌کنیم، نویسنده در مورد این مفهوم جدید (فرضیه پیکربندی) بیشتر توضیح داده است.

بررسی گزینه (۱): هدف نویسنده مطرح کردن یک موضوع و مفهوم جدید می‌باشد؛ نه برشمردن نواقص دیدگاه‌های گذشته.

بررسی گزینه (۲): در متن بیان شده است که «در این دیدگاه، نقش عنصر قابلیت پیش‌بینی معنای مجازی در درک اصطلاح پررنگ می‌باشد و فرآیند درک اصطلاح با معنای گزاره‌ای با معنای واژگانی متفاوت است». اما این موضوع لزوماً بیان نمی‌کند که کاربرد دیدگاه سنتی در فرآیند درک اصطلاح کم‌رنگ‌تر از واقع است.

بررسی گزینه (۴): اگرچه دیدگاه «سنتی» باز نمود واژگانی، به تاریخچه‌ی تحولات در حوزه درک اصطلاح، می‌تواند تعلق داشته باشد، اما هدف نویسنده از عنوان کردن آن، به هیچ‌وجه مرور تاریخچه‌ی آن نیست، بلکه نویسنده تلاش می‌کند تا مفهوم جدیدی را بهتر بازگو کند.

۲- گزینه «۲» با توجه به پاراگراف اول متن، «در این دیدگاه نقش عنصر قابلیت پیش‌بینی معنای مجازی در درک اصطلاح پررنگ می‌باشد و فرآیند درک اصطلاح با معنای گزاره‌ای واژگانی متفاوت است. در واقع، واژه محرک و تداعی‌گر معنای اصطلاحی نیست، بلکه پیکربندی و چینش واژگانی محرکی برای بازیابی معنای اصطلاحی است.» به علاوه در پاراگراف دوم متن داریم، «مطابق با چارچوب نظری این مدل، اصطلاحات از قابلیت پیش‌بینی کم یا زیاد برخوردارند که این بستگی به این موضوع دارد که واژه هدف، در چه جایگاهی از اصطلاح ظاهر گردد». بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پیش‌بینی معنای مجازی اصطلاحات، بیش از همه چیز تحت تأثیر شناسایی واژه هدف و پردازش چینش واژگانی است.

بررسی گزینه (۱): متن تنها در مورد یک کلید واژه یا همان واژه هدف سخن گفته است، نه کلید واژه‌ها.

بررسی گزینه (۳): با توجه به این جمله «در واقع، واژه محرک و تداعی‌گر معنای اصطلاحی نیست.» این گزینه رد می‌شود.

بررسی گزینه (۴): در متن، در مورد واژه نخست هر اصطلاح، به هیچ‌وجه سخنی به میان نیامده است.

۳- گزینه «۴» با توجه به این جمله از متن، «در این نگرش، اعتقاد بر این است که درک معنای گزاره‌ای و تمثیلی جملات، به طرز گسترده‌ای، وابسته به دانش کاربرد شناختی و طرح‌واره‌های ذهنی مرتبط با زبان تمثیلی است.» صحت گزاره I، اثبات می‌شود.

با توجه به این جمله از متن، «در دهه ۱۹۸۰، نگرشی که اصطلاح را به مثابه واحد واژگانی می‌انگاشت به چالش کشیده می‌شود و امکان در نظر گرفتن مدخل واژگانی مجزا برای اصطلاحات نیز مورد تردید واقع می‌شود.» و این جمله که «یکی از این پیش‌فرض‌ها این بود که اصطلاحات، از سازه یا واحدهای زبان‌شناختی تشکیل یافته‌اند. در مدل دسترسی مستقیم، از همین رویکرد پیروی شد.» صحت گزاره II، اثبات می‌شود.

با توجه به این جمله از متن که «در این مدل که از سوی گیبز ارائه شد، سازوکارهای پردازش تمثیلی و گزاره‌ای مانند هم هستند.» صحت گزاره III نیز به اثبات می‌رسد.

۴- گزینه «۲» جمله اول پاراگراف دوم متن، پاسخ سؤال را در گزینه (۱) می‌دهد.

با توجه به این جمله از متن که «در دیدگاه ذکر شده، فعال‌سازی و موجودیت معنای اصطلاحی، پیش از آنکه چینش واژگانی، شرایط لازم را برای بازیابی معنای اصطلاحی را مهیا کند، انجام نمی‌گیرد.» به سؤال موجود در گزینه (۳) پاسخ داده می‌شود.

با توجه به این قسمت از متن «یکی از این پیش‌فرض‌ها، این بود که اصطلاحات، از سازه‌ها یا واحدهای زبان‌شناختی تشکیل یافته‌اند. در مدل دسترسی مستقیم، از همین رویکرد پیروی شد. در این مدل که از سوی گیبز ارائه شد، سازوکارهای پردازش تمثیلی و گزاره‌ای مانند هم هستند.» سؤال موجود در گزینه (۴) پاسخ داده می‌شود.

اما در مورد سادگی یا دشواری فرآیند بازیابی معنای اصطلاحی، در متن صحبتی نشده است.



پاسخ سؤالات متن (۲)

۵- گزینه «۱» حوزه‌های تحقیق زبان‌شناسی شناختی با توجه به پاراگراف اول متن عبارت‌اند از: درک طبیعت فعالیت‌های مختلف ذهنی درباره استدلال، حافظه، سازماندهی اطلاعات و پردازش و تولید زبانی.

آثار مرتبط با زبان‌شناسی شناختی که در متن مطرح شده‌اند، عبارت‌اند از: آزمایش‌های رش، آثار لیکاف و جانسون. جملات اول پاراگراف اول، در مورد تاریخچه‌ی زبان‌شناسی شناختی صحبت می‌کند.

۶- گزینه «۳» جمله‌ی قبل از جمله‌ی مورد نظر این است که «همچنین ارتباط میان مفهوم‌سازی، استدلال و مقوله‌های مفهومی منتج از تجارب حسی - حرکتی حاصل از محیط پیرامون، از دیگر پژوهش‌های انجام شده در این زمینه است.» و بلافاصله بعد از آن در مورد آزمایش‌های نشان داده شده توسط رش در دهه ۱۹۷۰ میلادی صحبت نموده است. بنابراین نویسنده سعی کرده تا مثالی از این پژوهش‌های انجام شده را ارائه دهد.

بررسی گزینه (۱): توجه کنید که در جمله قبل ادعای خاصی نشده است و جمله مورد نظر هم تلاش نمی‌کند تا عمل تعدیل را انجام دهد.

بررسی گزینه (۲): این گزینه کاملاً بی‌ربط است.

بررسی گزینه (۴): در این جمله و حتی جملات قبل از آن، در مورد رویکرد سنتی هیچ سخنی آورده نشده است، بنابراین چنین نتیجه‌گیری‌ای کاملاً بی‌ربط است.

۷- گزینه «۱» با توجه به این جمله از متن که «در مجموع می‌توان گفت که لیکاف و جانسون به این نتیجه رسیدند که زبان به ما نشان می‌دهد که در ذهن خویش، مفاهیم انتزاعی را براساس مفاهیم عینی، بیان یا درک کنیم.» می‌توان نتیجه گرفت که مفاهیم عینی کمک می‌کنند تا مفاهیم انتزاعی در ذهن انسان سازمان‌بندی شوند.

بررسی گزینه (۲): در متن، اشاره‌ای به «الگوهای اندیشه» و «ویژگی‌های ذهن» نشده است.

بررسی گزینه (۳): متن در مورد این مسئله، هیچ صحبتی نکرده است.

بررسی گزینه (۴): نویسنده بیان کرده است که کاربرد استعاره، محدود به زبان ادبی نیست؛ اما در مورد اینکه رمزگذاری افکار پیچیده و ظریف از کاربردهای استعاره است یا نه، هیچ سخنی نیاورده است.

۸- گزینه «۴» با توجه به این جمله از پاراگراف آخر، «تالمی جدولی از مشخصات شکل و زمینه ارائه می‌دهد و آن‌ها را به دو گروه ویژگی‌های تعریفی و ویژگی‌های متداعی تقسیم می‌کند» و در ادامه به بررسی ویژگی‌های شکل و زمینه می‌پردازد؛ می‌توان نتیجه گرفت که جدول مشخصات شکل و زمینه تالمی، ویژگی‌های شکل و زمینه را براساس یک دسته‌بندی خاص تبیین می‌کند.

بررسی گزینه (۱): این جدول، طبق آخرین جمله از متن، به تعیین اجزای سازنده‌ی طرح‌واره‌های تصویری کمک می‌کند اما به هیچ‌وجه ماهیت آن‌ها را دگرگون نساخته است.

بررسی گزینه (۲): طبق متن، می‌توان نتیجه گرفت که این جدول، ابزار مناسبی برای مطالعه طرح‌واره‌های تصویری است؛ اما نه لزوماً مناسب‌ترین ابزار.

بررسی گزینه (۳): با توجه به این جمله از متن، «وی معتقد است که احتمالاً قوی‌ترین شاهد علیه رویکردهای سنتی به مقوله‌بندی و به نفع رویکرد سرمنون، از مطالعه اجزای فعلی و حرف اضافه نشأت می‌گیرد.» و با توجه به اینکه بلافاصله بعد از آن، از جداول تالمی سخن به میان آورده است؛ می‌توان نتیجه گرفت که در صورتی که بخواهیم در مورد رویکرد تالمی اظهار نظر کنیم، آن رویکرد علیه رویکردهای سنتی خواهد بود.

بخش دوم: استدلال منطقی

۹- گزینه «۲» متن در مورد اینکه باید خودمان را بشناسیم صحبت کرده است و سپس به عدم شناخت نویسندگان معاصر و همچنین سرمایه‌گذاری و تلاش برای معرفی چهره‌های ادبی اشاره کرده است. بحث اصلی بر سر عدم تلاش و سرمایه‌گذاری برای معرفی و آشنایی چهره‌های ادبی معاصر کشور است که به مقدمه‌ای برای شناخت خودمان تعبیر شده است، نه اینکه آیا نویسندگان معاصر ما در جهان شناخته شده هستند یا خیر. اگر عکس گزینه‌ی ۱ را در نظر بگیریم، یعنی بعضی از نویسندگان معاصر ما، جهانی باشند، به استدلال متن خلل چندانی وارد نمی‌شود. ممکن است جهانی شدن آنها ناشی از مسائل دیگری غیر از تلاش‌ها و اقدامات صورت گرفته در کشور ما باشد، بنابراین ارتباطی با عدم انجام اقدامات برای معرفی آنها از سوی کشور ما ندارد. بنابراین گزینه‌ی (۱) در مقابل گزینه‌ی (۲) نمی‌تواند گزینه‌ی صحیح باشد.

۱۰- گزینه «۲» مطابق با نظریه‌ی متن، گسترش زبان انسان‌ها، ناشی از تمایل به فریب دادن دیگران و استفاده از زبان برای دروغ گفتن بوده است. مطابق گزینه‌ی (۲)، از آنجا که نیاز به دروغ‌گویی در انسان نیازی مهم است و منافاتی نیز با بقای انسان ندارد، توسعه‌ی زبان انسان‌ها در راستای برآورده کردن این نیاز معقول به نظر می‌رسد، به همین دلیل گزینه‌ی (۲) با نظریه‌ی متن هماهنگ است. گزینه‌ی (۱)، نظریه‌ی متن را تا حدی تضعیف می‌کند. گزینه‌ی (۳) به مقبولیت کمتر دروغ در جوامعی که در مراحل پایین پیشرفت فرهنگی هستند، اشاره می‌کند و ارتباطی با توسعه‌ی زبان و شیوع دروغ در جوامع ندارد. گزینه‌ی (۴) نیز ارتباطی به متن ندارد. بنابراین گزینه‌ی (۲) پاسخ صحیح خواهد بود.

۱۱- گزینه «۱» معلم می‌گوید به دلیل اینکه زبان ایتالیایی آهنگین‌تر از زبان آلمانی است و ضمناً ۲۰۰۰ کلمه در این زبان با زبان مادری شما مشترک است، شما ایتالیایی را راحت‌تر یاد می‌گیرید. می‌خواهیم این استدلال را تضعیف کنیم. باید دنبال این باشیم که دلیل دیگری ارائه دهیم. دلیل ارائه شده در گزینه (۱) دلیل خوبی است، چرا که دلیل انگیزه را ارائه می‌کند و می‌گوید اگر زبان آلمانی را زبان‌آموزان یاد گرفته‌اند به این دلیل بوده که انگیزه زیادی نسبت به یادگیری زبان ایتالیایی داشته‌اند. گزینه (۲) ممکن است کمی متن را تقویت کند. گزینه (۳) بی‌ربط است. گزینه (۴) ممکن است کمی متن را تضعیف کند ولی قدرت آن به اندازه گزینه (۱) نیست (خصوصاً به دلیل کلمه برخی).

۱۲- گزینه «۴» متن بیان می‌کند آثار ترجمه شده از نسخه‌ی انگلیسی نویسندگان اسپانیایی زبان، از نظر فرهنگی غنی نیست و این مسئله در کیفیت ترجمه مؤثر بوده و ترجمه‌ی مستقیم بهتر از ترجمه‌ی برگرفته از متن ترجمه شده است. در گزینه‌ی (۱) به اجبار برای رعایت اصل انتقال فرهنگ در صورت ترجمه‌ی مستقیم از زبان اسپانیایی اشاره شده است، در حالی که اساساً متن در مورد اصل انتقال فرهنگ از طریق ترجمه و لزوم رعایت کردن آن از طرف مترجمان صحبتی نمی‌کند. میزان سختی آشنایی با زبان اسپانیایی بدون آشنایی با فرهنگ آنها ربطی به مطالب مطرح شده در متن ندارد. اگر گفته شده بود یادگیری زبان اسپانیایی منجر به آشنایی با فرهنگ آنها می‌شود، در آن صورت می‌شد گفت گزینه‌ی (۲) تاحدی با متن مرتبط است، اما در صورت فعلی نمی‌توان پاسخ صحیح باشد. در مورد گزینه‌ی (۳)، بحث در مورد کیفیت ترجمه‌های صورت گرفته از زبان اسپانیایی به انگلیسی نیست، بلکه بحث بر سر این است که در ترجمه‌ی غیرمستقیم نمی‌توان مؤلفه‌های فرهنگی را به خوبی منتقل کرد و این مسئله حتی اگر مترجمان انگلیسی زبان تسلط لازم برای انتقال مؤلفه‌های فرهنگی اسپانیایی در ترجمه از زبان اسپانیایی به انگلیسی را داشتند نیز ممکن بود رخ دهد، زیرا برای صحت انتقال مؤلفه‌های فرهنگی اسپانیایی، حداقل لازم است هر دو مترجم با آنها آشنا باشند.

گزینه‌ی (۴) چیزی است که از متن برداشت می‌شود، زیرا مطابق با نتیجه‌گیری متن ترجمه‌ی مستقیم بهتر از ترجمه‌ی غیرمستقیم است، بنابراین حتی اگر مترجم با فرهنگ اسپانیایی نیز آشنا باشد، انتظار می‌رود ترجمه‌ی مستقیم بهتر و قابل اطمینان‌تر از ترجمه‌ی غیرمستقیم باشد. بنابراین گزینه‌ی (۴) پاسخ صحیح است.

۱۳- گزینه «۳» سؤال ساده‌ای است! اولاً واضح است دو عبارت زیر خط‌کشی شده متضاد یکدیگر رفتار می‌کنند. بنابراین گزینه (۱) و (۴) غلط هستند. حالا باید از بین گزینه‌های (۲) و (۳) یکی را انتخاب کنیم. قسمت دوم این دو گزینه یکسان است و به درستی به نقش قسمت دوم اشاره می‌کنند. اما در مورد قسمت اول ادعا است نه ادله‌ای برای یک ادعا. بنابراین گزینه (۲) غلط است.

۱۴- گزینه «۱» با توجه به کل متن و قسمت پایانی آن به وضوح گزینه (۱) می‌تواند صحیح باشد.

۱۵- گزینه «۳» با مطالعه دقیق متن متوجه می‌شویم طبق نظریه اسکوپوس ترجمه‌ی خوب به‌ویژه هنگام ترجمه متون تبلیغاتی چیزی نیست جز تأثیر گذاشتن بر مخاطب و تشویق او به خرید کالایی خاص و لذا ترجمه باید متناسب با کارکرد و هدف تهیه شود و بتواند بر مخاطب جامعه هدف تأثیر بگذارد. این موضوع بیشترین مطابقت را با گزینه (۳) دارد.



بخش سوم: سؤالات تحلیلی

۱۲ نفر قرار است از بخش‌های مردم‌شناسی، سکه‌های باستانی، مجسمه‌های تاریخی و ادوات جنگی بازدید کنند. ما از این به بعد این بخش‌ها را به اختصار مردم، سکه، مجسمه و جنگی اسم‌گذاری می‌کنیم. هر شخصی فقط از یک بخش بازدید می‌کند. محدودیت‌ها به صورت زیر هستند:

(۱) هر گروه حداقل ۲ نفر است.

(۲) بخش مردم و بخش جنگی تعداد نابرابری بازدیدکننده دارد.

(۳) بخش مردم و مجسمه در مجموع بیش از ۶ نفر بازدیدکننده داشته است.

(۴) در بخش مجسمه حتماً تعداد بازدیدکنندگان زوج است.

در مورد محدودیت (۴) دقت کنیم که اگر تعداد بازدیدکننده‌ها فرد باشد آنگاه چطور ممکن است دقیقاً نصف آن‌ها راضی باشند؟!

۱۶- گزینه «۲» اگر مردم‌شناسی ۳ نفر رفته باشند طبق محدودیت (۳) و (۴) یقیناً از بخش مجسمه باید ۴ نفر بازدید کنند. ضمناً با توجه به محدودیت (۲) بخش جنگی ۲ نفر بازدیدکننده دارد.

بخش	جنگی	سکه	مردم	مجسمه
تعداد بازدیدکننده	۲	۳	۳	۴

دقت کنیم که بخش مجسمه نمی‌تواند ۶ نفر باشد، چون در این صورت بخش سکه و جنگی باید جمعاً ۳ نفر باشد که با محدودیت (۱) تناقض دارد.

۱۷- گزینه «۴» اگر بخش جنگی یک نفر بیشتر از بخش سکه رفته باشد، با توجه به محدودیت (۳) فقط می‌تواند بازدیدکنندگان این دو بخش در مجموع ۵ نفر باشد.

بخش	جنگی	سکه	مردم	مجسمه
تعداد بازدیدکننده	۳	۲	۵	۲

با توجه به محدودیت (۴) بخش مجسمه باید ۲ یا ۴ نفر باشد، همان‌طور که مشخص است نمی‌تواند بخش مجسمه شامل ۴ بازدیدکننده باشد چون در این صورت بخش مردم باید ۳ نفر باشد که محدودیت (۱) نقض می‌شود.

۱۸- گزینه «۱» اگر بخش مردم نسبت به بخش جنگی یک نفر ۲ بازدیدکننده بیشتر داشته باشد حالات زیر را داریم:

بخش	جنگی	سکه	مردم	مجسمه
تعداد بازدیدکننده	۲	۲	۴	۴

یا

بخش	جنگی	سکه	مردم	مجسمه
تعداد بازدیدکننده	۳	۲	۵	۲

همان‌طور که معلوم است فقط تعداد بازدیدکنندگان بخش سکه ثابت است.

۱۹- گزینه «۳» می‌توانیم همان حالت اولین سؤال (یعنی سه سؤال قبل) را در نظر بگیریم:

بخش	جنگی	سکه	مردم	مجسمه
تعداد بازدیدکننده	۲	۳	۳	۴

پس ۳ نفر از بخش مردم بازدید کرده‌اند.

۸ ناحیه از A تا H اسم‌گذاری شده پنج رنگ دارت به رنگ‌های سبز و سفید و آبی و قرمز و زرد به آن اصابت می‌کند. محدودیت‌ها به صورت زیر تعریف شده‌اند.

(۱) هر دایره‌ای که زرد دارد، قرمز را هم دارد. یعنی زرد و قرمز یا هر دو درون دایره کوچک هستند یا هر دو در ناحیه بین دو دایره.

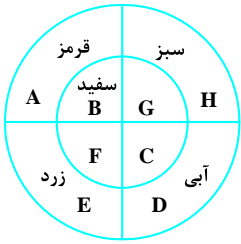
(۲) آبی و زرد دو حرف متوالی هستند.

(۳) رنگ سفید درون دایره کوچک است و سبز و آبی بیرون دایره کوچک هستند.

(۴) رنگ قرمز و سفید با هم در یکی از ربع دایره‌ها هستند.

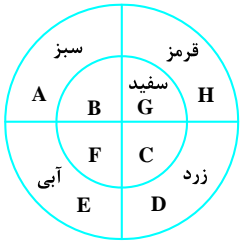
با رعایت کردن محدودیت‌ها باید به سؤالات پاسخ دهیم.

۲۰- گزینه «۴» اگر H و D سبز و آبی باشد، طبق محدودیت (۲) رنگ زرد می‌تواند E باشد. محدودیت‌های (۳) و (۴) جای سفید و قرمز را به ترتیب در B و A تعیین می‌کنند.

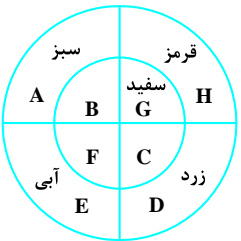


پس به ناحیه C هیچ دارتی اصابت نمی‌کند.

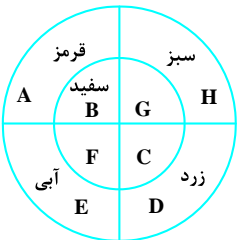
۲۱- گزینه «۲» اگر سبز در ناحیه A باشد، محدودیت (۳) و (۴) منجر به این می‌شود که رنگ سفید و قرمز به ترتیب در H و G باشد. طبق محدودیت (۱) و (۲) زرد می‌تواند در D یا E باشد. همچنین آبی می‌تواند در E یا D باشد ولی جای سفید و قرمز همواره ثابت خواهد ماند. در نواحی D و E جای رنگ زرد و آبی می‌تواند با هم عوض شود.



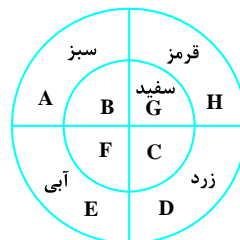
۲۲- گزینه «۴» اگر ناحیه D رنگی غیر از آبی باشد می‌توانیم مثلاً از حالت سؤال قبل استفاده کنیم.



مطابق این حالت B و C و F بدون اصابت دارت هستند. تا این گزینه (۲) غلط است اما جای سفید و قرمز می‌تواند به A و B تغییر کند. به حالت زیر دقت کنید:



در این حالت C و F خالی می‌ماند. پس C و F قطعاً بدون اصابت دارت خواهند بود.



۲۳- گزینه «۱» می‌توانیم از شکلی که برای دو سؤال قبل استفاده کردیم کمک بگیریم. همان‌طور که گفتیم جای زرد و آبی طبق محدودیت (۲) می‌تواند با هم عوض شود. یعنی دو رنگی که به A و B و C و D اصابت می‌کند در یک حالت سبز و زرد و در حالتی دیگر آبی و سبز است پس نمی‌توان تعیین کرد که این دو رنگ کدام‌اند.

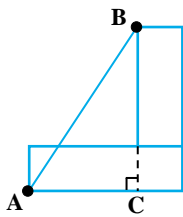
بخش چهارم: حل مسئله

۲۴- گزینه «۳» در هر ترکیب چهارتایی حاصلضرب دو عدد برابر با حاصل جمع دو عدد دیگر می‌شود. برای مثال توجه کنید که داریم:

$$\begin{array}{c} \textcircled{12} - \textcircled{4} - \textcircled{4} \\ | \\ \textcircled{4} \end{array} \Rightarrow 12 + 4 = 4 \times 4$$

$$\begin{array}{c} \textcircled{3} \\ | \\ \textcircled{?} - \textcircled{6} - \textcircled{4} \end{array} \Rightarrow 4 \times 3 = 6 + ? \Rightarrow ? = 6$$

بنابراین در شکل داده شده با توجه به گزینه‌ها باید عدد ۶ قرار بگیرد.



۲۵- گزینه «۲» طول و عرض مستطیل را x و y می‌نامیم؛ طبق قاعده فیثاغورث داریم:

$$AB^2 = AC^2 + BC^2$$

از طرفی $BC = x + y$ و $AC = x - y$ (چون دو مستطیل مشابه هم هستند)، بنابراین داریم:

$$AB^2 = (x - y)^2 + (x + y)^2 = x^2 + y^2 - 2xy + x^2 + y^2 + 2xy$$

$$\Rightarrow AB^2 = 2(x^2 + y^2) \Rightarrow AB = \sqrt{2} \times \sqrt{x^2 + y^2}$$

از طرفی قطر یک مستطیل به طول x و به عرض y برابر با $d = \sqrt{x^2 + y^2}$ است و این یعنی $AB = \sqrt{2}d$ خواهد بود.

۲۶- گزینه «۲» اگر تعداد بردها را x و تعداد تساوی‌ها را y نمایش دهیم، از روی متن سؤال تساوی زیر را داریم:

$$3 \times x + 1 \times y = 58$$

سؤال گفته مقدار y کدام عدد (از گزینه‌ها) نمی‌تواند باشد، ابتدا توجه کنید که از تساوی بالا می‌توان تساوی $x = \frac{58 - y}{3}$ را نوشت:

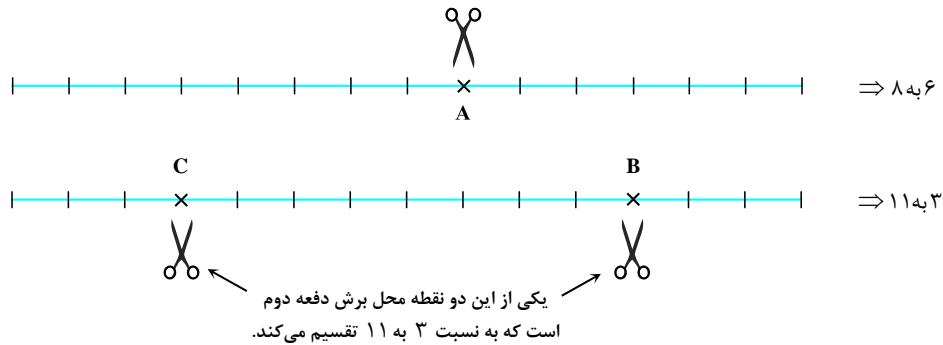
$$x = \frac{58 - y}{3} \Rightarrow \begin{cases} \text{اگر } y = 4 \Rightarrow x = \frac{58 - 4}{3} = \frac{54}{3} = 18 \\ \text{اگر } y = 10 \Rightarrow x = \frac{58 - 10}{3} = \frac{48}{3} = 16 \\ \text{اگر } y = 12 \Rightarrow x = \frac{58 - 12}{3} = \frac{46}{3} \Rightarrow \text{ عددی غیرطبیعی می‌شود} \\ \text{اگر } y = 16 \Rightarrow x = \frac{58 - 16}{3} = \frac{42}{3} = 14 \end{cases}$$

پس عدد ۱۲ نمی‌تواند نمایانگر تعداد تساوی‌ها باشد، چون آن وقت تعداد بردها عددی صحیح نمی‌شود و این غیرممکن است.

۲۷- گزینه «۱» با توجه به توضیحات صورت سؤال داریم:

$$\begin{cases} D - C = C - B \\ B + D = 2A \end{cases} \Rightarrow \begin{cases} B + D = 2C \\ B + D = 2/A \end{cases} \Rightarrow 2C = 2/A \Rightarrow C \text{ از } A \text{ سبک‌تر است.}$$

۲۸- گزینه «۳» طول نخ ثابت است. با یک برش به نسبت ۳ به ۴ تقسیم می‌شود. یعنی انگار نخ را می‌توان به ۷ قسمت مساوی تقسیم کرد. اگر از جای دیگری برش دهیم ۳ به ۱۱ می‌شود. یعنی انگار می‌توان نخ را به ۱۴ قسمت تقسیم کرد. پس طول نخ را ۱۴ واحد در نظر می‌گیریم (چون هم به $3+4=7$ و هم به $3+11=14$ قابل تقسیم است). در حالت اول ۶ به ۸ و در حالت دوم ۳ به ۱۱ تقسیم می‌شود.



دقت کنیم که از نقاط B و C فقط یکی مدنظر است. حال اگر طناب را از دو نقطه برش دهیم، دو حالت داریم:

طناب به نسبت ۳ و ۳ و ۸ تقسیم می‌شود \Rightarrow از A و B برش بخورد

طناب به نسبت ۶ و ۵ و ۳ تقسیم می‌شود \Rightarrow از A و C برش بخورد

از آنجا که باید طناب به سه قطعه مختلف تقسیم شود پس حالت ۳ و ۳ و ۸ قبول نیست! پس یقیناً طناب از نقطه A و C برش می‌خورد و به نسبت ۶ و ۵ و ۳ تقسیم می‌شود. با این حساب مقدار ستون به شکل زیر است:

$$\frac{\text{الف}}{\text{ب}} = \frac{6}{3} = 2$$

مقدار عددی هر دو ستون برابر است، پس گزینه (۳) جواب است.

۲۹- گزینه «۴» برای پاسخ به این سؤال، متغیرهای زیر را تعریف می‌کنیم:

«دارالترجمه الف»

چهارزبانه سه‌زبانه دوزبانه

زن	a	b	c
مرد	d	e	f

$$a+b+c+d+e+f = T$$

و در نظر می‌گیریم که:

$$a+b+c = \frac{60}{100}T \Rightarrow e+d+f = \frac{40}{100}T \quad (I)$$

با توجه به صورت سؤال، می‌دانیم که ۶۰٪ از کل مترجمان دارالترجمه الف، زن هستند؛ پس:

با توجه به نمودار سمت راست، می‌دانیم که ۱۲٪ مترجمان دارالترجمه الف، چهارزبانه هستند.

$$C+f = \frac{12}{100}T \quad (II)$$

بنابراین:

با توجه به جدول سمت چپ، برای دارالترجمه الف داریم:

$$\frac{e}{d+e+f} = \frac{30}{100} = \frac{3}{10} \Rightarrow 10e = 3(d+e+f) \Rightarrow 7e = 3d+3f \Rightarrow e = \frac{3d+3f}{7}$$

$$\begin{cases} 7e = 3d+3f \\ 9f = d+e \end{cases} \Rightarrow e = 3f, d = 6f$$

$$3f+6f+f = \frac{40}{100}T \Rightarrow f = \frac{4}{100}T$$

با استفاده از معادله (I) داریم:

$$C + \frac{40}{100}T = \frac{12}{100}T \Rightarrow C = \frac{8}{100}T$$

با استفاده از معادله (II) داریم:

$$\frac{C}{T} = 8\%$$



۳۰- گزینه «۱» برای حل این سؤال، پارامترهای زیر را در نظر می‌گیریم:
با توجه به صورت سؤال ۱۳۰ داریم:

«دارالترجمه ب»

چهارزبانه سه‌زبانه دوزبانه

زن	a	b	c
مرد	d	e	f

و سؤال این است که:

$$e = 4$$

$$b + c = ?$$

با توجه به صورت کلی سؤال، $\frac{20}{100}$ مترجمان این دارالترجمه، زن هستند؛ بنابراین:

$$(I) \quad a + b + c = \frac{20}{100}T \Rightarrow e + f + d = \frac{80}{100}T \quad (II)$$

با توجه به جدول سمت چپ، داریم:

$$\frac{e}{d+e+f} = \frac{20}{100} = \frac{1}{5} \Rightarrow 5e = d+e+f \Rightarrow 4e = d+f$$

$$\frac{f}{d+e+f} = \frac{15}{100} \Rightarrow 17f = 3d+3e$$

و همچنین داریم:

$$\begin{cases} d+f=16 \\ 17f=3d+12 \end{cases} \Rightarrow f=3, d=13$$

با توجه به اینکه $e=4$ داریم:

$$4+3+13 = \frac{80}{100}T \Rightarrow T=25$$

با توجه به معادله (II) داریم:

با استفاده از نمودار سمت راست، تعداد مترجمان دو زبانه به کل مترجمان دارالترجمه «ب» برابر ۶۰٪ می‌باشد؛ بنابراین:

$$a+d = \frac{60}{100}T = \frac{60}{100} \times 25 = 15 \Rightarrow a+13=15 \Rightarrow a=2$$

$$a+b+c = \frac{20}{100} \times 25 = 5$$

با توجه به معادله (I)

$$2+b+c=5 \Rightarrow b+c=3$$

و اینکه $a=3$ داریم: